

مقدمه و گردآوری:
مسعود کوهستانی نژاد



بلوچستان در عصر پهلوی اول
گزیده جراید و مطبوعات
روزنامه ایران، حبل المتین کلکته، اطلاعات و...



بلوچستان در عصر پهلوی اول
گزیده جراید و مطبوعات



«پژوهش‌های ایران فرهنگی»، ۵

بلوچستان در عصر پهلوی اول گزیده جراید و مطبوعات؛

روزنامه ایران، جیل‌المتین کلکته، اطلاعات و ...

مقدمه و گردآوری:
مسعود کوهستانی‌نژاد



آبی پارس

پل فیروزه

۱۳۹۸

د پژوهش‌های ایران فرهنگی، ۵

دیر: محسن شهرنازدار

این کتاب با حمایت
سازمان منطقه آزاد چابهار
منتشر شده است.



Baluchistan - History - 20th century - Press coverage	موضوع:	کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۴۲-، مقدمه نویس، گردآورنده	سرشناسه:
بلوچستان - اوضاع اجتماعی - قرن ۱۴ - پوشش مطبوعاتی	موضوع:	بلوچستان در عصر پهلوی اول، گزیده جراید و مطبوعات؛ روزنامه ایران، حبل المتین کلکته، اطلاعات و ... / مقدمه و گردآوری مسعود کوهستانی نژاد.	عنوان و نام پدیدآور:
Baluchistan - Social conditions - 20th century - Press coverage	موضوع:	تهران: موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه، ۱۳۹۹.	مشخصات نشر:
بلوچستان - اوضاع اقتصادی - قرن ۱۴ - پوشش مطبوعاتی	موضوع:	۵۳۱ ص: ۱۴×۲۱ س.م	مشخصات ظاهری:
Baluchistan - Economic conditions - 20th century - Press coverage	موضوع:	پژوهش‌های ایران فرهنگی، ۵؛ ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۸۵-۰-۱	فروست:
DSR2003	رده بندی کنگره:	وضعیت فهرست نویسی: فیا	پادداشت:
۷۴/۹۵۵	رده بندی دیویی:	کتابنامه به صورت زیرنویس.	موضوع:
۷۳۱۶۶۰۱	شماره کتابشناسی ملی:	بلوچستان - تاریخ - قرن ۱۴ - پوشش	

بلوچستان در عصر پهلوی اول

گزیده جراید و مطبوعات:

روزنامه ایران، حبل المتین کلکته، اطلاعات و ...

مقدمه و گردآوری: مسعود کوهستانی نژاد

موسسه آبی پارس؛ انتشارات پل فیروزه

تصویر روی جلد: دوست محمدخان بارکزهی از خوانین و حکام بلوچستان در لباس رسمی و با کلاه پهلوی

نشانی: تهران - خیابان پاسداران - بوستان دوم - پلاک ۲۷ - طبقه اول / کدپستی: ۱۶۶۴۶۵۱۱۱ / تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۹۶۱۴۸ / وبسایت: pb.institute.ir

بازنشر این اثر با قسمتی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

فهرست

۷	سخن ناشر
۱۳	یادداشت دبیر مجموعه
۲۱	مقدمه
	فصل اول: مدارک سیاسی، اجتماعی و عمومی
۳۵	فهرست مدارک
۳۹	متن مدارک
	فصل دوم: رجال
۱۲۵	فهرست مدارک
۱۲۷	متن مدارک
	فصل سوم: اقتصادی، تجارتي و بانكي
۱۴۹	فهرست مدارک
۱۵۱	متن مدارک
	فصل چهارم: راه و حمل و نقل
۱۸۳	فهرست مدارک
۱۸۷	متن مدارک
	فصل پنجم: ارتباطات (پست و تلگراف)
۲۵۷	فهرست مدارک
۲۶۱	متن مدارک
	فصل ششم: آموزش و پرورش
۲۹۷	فهرست مدارک
۲۹۹	متن مدارک
	فصل هفتم: امور بهداشتی و پزشکی
۳۱۱	فهرست مدارک
۳۱۳	متن مدارک
	فصل هشتم: کشاورزی و آفات طبیعی
۳۲۵	فهرست مدارک
۳۲۷	متن مدارک

فصل نهم: بلديه‌ها

۳۴۵ فهرست مدارک

۳۴۷ متن مدارک

فصل دهم: شهرها

۳۵۳ فهرست مدارک

۳۶۱ متن مدارک

فصل یازدهم: خارجی‌ها

۴۸۱ فهرست مدارک

۴۸۳ متن مدارک

فصل دوازدهم: بلوچستان انگلیس

۴۹۳ فهرست مدارک

۴۹۵ متن مدارک

فصل سیزدهم: متفرقه

۵۰۱ فهرست مدارک

۵۰۳ متن مدارک

۵۰۷ نمایه

سخن ناشر

مؤسسه آبی پارسی برای جبران کمبود منابع پژوهشی درخصوص معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی بلوچستان، بخش نخست مجموعه کتب «پژوهش‌های ایران فرهنگی» را به انتشار بیست و دو عنوان کتاب شامل تألیف، ترجمه، استنساخ و گردآوری منابع مهم و بنیادین درباره این منطقه از ایران اختصاص داده است. دبیر این مجموعه سترگ آقای محسن شهرنازدار پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و مطالعات قومی هستند که در طی دو دهه گذشته موضوع بلوچستان را از خلال پژوهش‌های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای دنبال کرده‌اند و عهده‌دار این مسئولیت مهم شده‌اند. ایشان از اواسط دهه هشتاد، در صدد انجام این پروژه و نیز تدوین دانشنامه فرهنگ و جغرافیای بلوچستان بوده‌اند.

عناوین و شرح مجلد‌های این مجموعه در بخش‌های مختلف عبارتند از:

مطالعات تاریخی و فرهنگ‌شناختی:

بلوچستان در دانشنامه ایرانیکا: زیر نظر دبیر مجموعه، علاوه بر ترجمه نه مدخل مرتبط به تاریخ و فرهنگ بلوچستان از دانشنامه ایرانیکا، شامل تکمله‌هایی تألیفی بر هر مدخل است که توسط افراد متخصص در موضوع همان مدخل

نوشته شده و کاستی‌های اطلاعات مداخل ایرانی‌کارا کامل می‌کند و یا اطلاعات تازه‌ای به آن می‌افزاید. این کتاب برای پژوهشگران مسائل تاریخ و فرهنگ بلوچستان، منبعی مهم و حائز اهمیت به شمار می‌رود.

بلوچستان و تاریخ مکران ایران ۱۹۰۶-۱۶۰۰ در کتاب جان گوردون لوریمر: شامل بخش‌های مربوط به بلوچستان در کتاب یادمانی و ارزشمند راهنمای خلیج فارس جان گوردون لوریمر دیپلمات و تاریخ‌نگار بریتانیایی است که علاوه بر تاریخ تحولات سیاسی منطقه از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا سال‌های نخستین سده بیستم (همزمان با انقلاب مشروطه) به جغرافیای روستایی منطقه بلوچستان می‌پردازد و به خواننده اطلاعات ارزشمندی از وضعیت منطقه در ابتدای سده بیستم ارائه می‌دهد.

مقالات تاریخی و انسان‌شناختی بلوچستان: در دو مجلد زیر نظر دبیر مجموعه گردآوری شده و دربرگیرنده مهم‌ترین مقالات پژوهشی تاریخی و انسان‌شناختی طی دهه‌های گوناگون سده بیستم است که به شناخت بیشتر ما از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچستان از نگاه محققان غیر ایرانی می‌انجامد.

بلوچ و دیگران و بلوچ و همسایگان: عنوان ترجمه دو کتاب در حوزه مباحث گوناگون زبان‌شناختی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای این حوزه است که در سمپوزیوم‌های زبان‌شناسی بلوچ در دانشگاه اوپسالا ارائه شده و زیر نظر خانم کارینا جهانی، اگنس کورن و پل تیتوس در دو مجلد مدون شده است.

اشعار مردمی بلوچ نوشته لانگ ورث دیمز: کتاب مهمی که دیمز در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را در بریتانیا منتشر کرده و حاوی منظومه‌ها و اشعار بلوچی، با توصیفی از ادبیات بلوچستان است.

کاوش در تپه بمپور: گزارش مفصلی از کاوش‌های باستان‌شناختی بئاتریس دکاردی باستان‌شناس شهیر بریتانیایی در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ بلوچستان است که پس از نیم قرن ترجمه شده و در اختیار مخاطب فارسی زبان قرار گرفته است.

هشت گفتار در باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان: اثر دکتر سیدمنصور سیدسجادی از باستان‌شناسان فاضل و سرپرست هیئت کاوش شهر سوخته است. این کتاب در هشت فصل علاوه بر دو متن تاریخی درباره بلوچستان، به معرفی جغرافیای تاریخی منطقه از عصر باستان تا دوران اسلامی می‌پردازد و هر چند پیش‌تر منتشر شده، اما در این چاپ آخرین دستاوردها و یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی سالیان اخیر شهر سوخته در دو فصل تازه تشریح شده است.

سفرنامه‌های ایرانی:

بلوچستان در سیاحت‌نامه‌های عصر قاجار: در دو مجلد شامل سفرنامه‌های حکام و سیاستمداران ایرانی به منطقه بلوچستان است که نگاه رجال سیاسی به منطقه و سیاست‌های حکومت قاجار در قبال بلوچستان را برای خواننده ترسیم می‌کند و همزمان چشم‌اندازی از وضعیت معیشتی مردم و آبادی‌های بلوچستان را ارائه می‌دهد.

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان: در سه مجلد دربرگیرنده نگاه نویسندگان و پژوهندگان، رجال فرهنگی، سیاسی و نظامی به این منطقه طی یک قرن است که از سال‌های پایانی حکومت قاجار و انقلاب مشروطه ایران آغاز می‌شود و تا دهه هشتاد خورشیدی ادامه می‌یابد.

سفرنامه‌های غیر ایرانی:

بلوچستان ناکاویده: عنوان کتابی از ارنست فلویر افسر بریتانیایی مسئول ایستگاه تلگراف جاسک است که شرح سفر او از ژانویه ۱۸۷۶ تا می ۱۸۷۷ میلادی را در بر دارد و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از اوضاع اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در سده نوزدهم است. متن اصلی نخستین‌بار در سال ۱۸۸۲ در لندن منتشر شده است.

سرگشته در بلوچستان: این کتاب مشاهدات ژنرال مک‌گرگور، افسر عالی‌رتبه ارتش بریتانیا در هند، در دهه‌های پایانی سده نوزدهم در بلوچستان و تشریح سیاست‌های حکومت استعماری بریتانیا در منطقه است. سرگشته در بلوچستان نیز نخستین بار در ۱۸۸۲ انتشار یافته شده و پس از قریب به صد و چهل سال به فارسی برگردانده شده است.

سه سفرنامه بلوچستان: شامل شرح سه سفر از سر پرسی سایکس در حفاصل سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۱ به بلوچستان است. سایکس یکی از مؤثرترین کارگزاران سیاسی بریتانیا در ایران آن دوران بوده است.

بلوچستان در سفرنامه‌های اروپاییان: شامل شش سفرنامه از کارگزاران، سیاحان و پژوهشگران خارجی است که حفاصل نیمه قرن نوزدهم تا دهه‌های میانی سده بیستم به بلوچستان سفر کرده‌اند و شرح سفر خود را نوشته‌اند. این مجلد شامل سفرنامه‌های کاپیتان گرانت، گاستیگر، الا سایکس، اسکرین، گابریل و بالسان است.

اسناد:

بلوچستان در اسناد بریتانیا: گزیده اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا در دو مجلد که شامل گزارش‌های نظامی-امنیتی و سیاسی محرمانه بریتانیا در خصوص منطقه بلوچستان در سه دهه پایانی سده نوزدهم و سال‌های نخست سده بیستم است. این مجموعه علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مباحث سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه دارد، شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزه اقتصاد، کشاورزی، زندگی روستایی و وضعیت قبایل در بلوچستان است.

بلوچستان در عصر قاجار؛ گزیده جراید و مطبوعات: عنوان کتابی است شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده از خلال اهم اخبار، مقالات و یادداشت‌های مربوط به بلوچستان در مطبوعات عصر قاجار.

بلوچستان در عصر پهلوی اول؛ گزیده جراید و مطبوعات: شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده این دوران از مطبوعات عصر پهلوی اول است که به همت پژوهشگر این عرصه، آقای مسعود کوهستانی‌نژاد، گردآوری شده است.

بلوچستان در اسناد آرشیو ملی: گزیده‌ای از اسناد دوره قاجار و پهلوی درباره بلوچستان در آرشیو پهلوی است که دربردارنده اسناد مرتبط با مباحث و موضوعات مندرج در همه مجلدات این مجموعه است و به عنوان منبعی دست‌اول برای پژوهشگران مطالعات تاریخ معاصر در حوزه بلوچستان کارکردی مهم دارد.

هدف از طراحی این مجموعه و انتخاب عناوین مذکور، مرتفع ساختن فقر و خلأ منابع موثق و قابل‌اتکا در حوزه مطالعات بلوچستان بود؛ کاری که از عهده و توان یک موسسه خصوصی خارج است و انجام آن بسیار زمان‌بر. اما با این وصف به همت و مساعدت سازمان منطقه آزاد چابهار و به‌خصوص دکتر عبدالرحیم کردی مدیرعامل منطقه آزاد که در قالب مسئولیت اجتماعی از این طرح حمایت کرد و همچنین اهتمام و جدیت شبانه‌روزی و بی‌وقفه دبیر مجموعه و نیز تلاش پیوسته همکاران ما در مؤسسه آبی پارسی، تولید محتوا و آماده‌سازی نهایی بیست‌ودو عنوان کتاب مذکور در کمتر از دو سال صورت گرفته است.

همچنان که صائب فرمود:

می‌توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر

بوی پیراهن اگر قافله سالار شود

عشق به میهن، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و تلاش برای حفظ و پاسداشت و معرفی تاریخ و موارث فرهنگی ایران‌زمین موجب شد تا همه سختی‌ها و مصائب، از گرانی مواد اولیه و هزینه‌های چاپ و کسادی بازار کتاب به‌خاطر فراگیری بیماری کرونا و سایر موانع... را پشت سر بگذاریم.

سرانجام به مصداق «زهر باید خورد و انگارید قند» کام‌مان به‌خاطر به انجام رسانیدن یک «پروژه ملی» شیرین است.

موسسه آبی پارسی

یادداشت دبیر مجموعه

بلوچستان در دوره انتقال قاجار به پهلوی، یکی از آشفته‌ترین دوران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را تجربه کرده است. ضعف و فساد در حکومت مرکزی، مداخله و تعدی بریتانیا در امور مرزی و در نهایت سستی والیان محلی، شرایطی را چنین رقم زده بود تا خاک بلوچستان جولانگاه یاغیان و عرصه مداخلات بیگانگان شود.

از مرگ ناصرالدین شاه در سال‌های پایانی قرن نوزدهم تا روی کار آمدن سردار سپه در ۱۹۲۱، بلوچستان روزهای پرتلاطمی را می‌گذراند. هنوز جراحت زخمی که از تجزیه مرزهای شرقی ایران و جدا شدن بخش‌های مهمی از بلوچستان بر پیکره تمامیت ارضی ایران وارد شده بود؛ تازگی داشت و بحران مرزی ناشی از آن تداوم یافته بود.

آشفته‌گی‌های مرزی و درعین حال ضعف در برقراری نظم و امنیت در منطقه که در ناتوانی برای اخذ و دریافت مالیات در اسناد دیوانی این دوران به چشم می‌خورد، در ایام پایانی قرن نوزدهم، بلوچستان را عرصه کشمکش میان سرداران طوایف برای تصاحب مناطق مختلف بلوچستان ایران کرده بود. تا آنجا که در سال‌های منتهی به شروع جنگ اول جهانی، یعنی ۱۲۸۷ خورشیدی به بعد، استیلای حکومت مرکزی ایران بر بلوچستان به شدت تقلیل یافته و عملاً در

دست سرداران بلوچ بود. در عین حال قحطی ناشی از خشکسالی بر این اوضاع نابسامان افزوده بود.

در چنین اوضاع پریشانی همزمان که هفته‌نامهٔ جبل‌المتین از اغتشاشات حاکم در منطقه می‌نویسد، روزنامهٔ مظفری خبر از امنیت و نظم حاکم در امور مملکت می‌دهد و به اشاره‌ای دربارهٔ اغتشاشات بلوچستان اکتفا می‌کند: «امورات مملکتی بحمدالله از هر جهت منظم و در نهایت امنیت است. جناب مستطاب اجل بندگان آقای علاءالملک حکمران کل کرمان و بلوچستان به واسطه ظهور بعضی اغتشاشات در سرحد بلوچستان به امر امنای دولت ابد مدت به آن صواب عزیمت فرمودند».^۱

همزمان با به قدرت رسیدن سردار سپه در پی کودتای اسفند ۱۲۹۹، در بلوچستان، دوست محمدخان بارکزی جانشین عموی خود بهرام‌خان شد و قلاع مهم بلوچستان را دست گرفت. این موقعیت تا آغاز سلطنت رضاشاه و دو سال پس از آن نیز ادامه یافت. بخش قابل‌توجهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان در این دوران، در مطبوعات و جراید منعکس نشده و یا انعکاس اندکی داشته است؛ از جمله دوره‌ای که حکومت نظامی سردار سپه، دوست محمدخان را به عنوان حاکم محلی به رسمیت شناخته و به او لقب اسدالدوله داده و شرایطی فراهم آورده است تا نمایندگانی که مورد وثوق او بودند به مجلس شورای ملی راه یابند. در گزیدهٔ جراید به دست آمده، اشاراتی مختصر به نمایندهٔ بلوچستان در مجلس شورای ملی شده و تمرکز اخبار بیشتر به قشون‌کشی و سرکوب دوست محمدخان، تسخیر قلاع و در اختیار گرفتن اراده سرحدات و تمامی اراضی خاک بلوچستان ایران معطوف بوده است.

در میان اخبار و گزارش‌های سال‌های اول حکومت پهلوی، اخباری جز غارت اموال دامدران بم و نرماشیر و جیرفت توسط گروه‌هایی از یاغیان بلوچ، ناامنی راه‌ها و مناقشات مرزی و یا خشکسالی و قحطی و بیماری به چشم

نمی‌خورد و خبری از تعاملات و یا چشم‌اندازهای سیاسی میان مرکز و بلوچستان وجود ندارد. با این حال در میان اسناد ملی و مکاتبات اداری این دوران، روایت‌های موثق تاریخی به ثبت رسیده که اهمیت پرداختن به آن را گوشزد می‌کند.

در این دوران اقتدار نظامی حاکمیت مرکزی به حکومت‌های محلی و خودمختاری‌های ناشی از هرج‌ومرج و ضعف حکومت مرکزی پایان داد. رویکرد حکومت مرکزی در تعریف تازه‌ای که ملیون ایرانی دربارهٔ تمامت ارضی و استقرار حاکمیت ملی در ایران مطرح کرده بودند، مورد تأکید و تأیید قدرت نظامی وقت قرار گرفته بود و به شکل دستورالعمل اجرایی در حل مسئلهٔ بحران قومی در ایران مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گرفت.

نظامیان دورهٔ پهلوی اول بخش بزرگی از قدرت حاکمیت طبقهٔ اعیان بر ساختار سیاسی ایران را از آن خود کردند. القاب قاجاری با تصویب مصوبه‌ای در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ که به القاب و مناصب مخصوص نظام و القاب کشوری اختصاص داشت، به تمامی ملغی شد و دوست محمدخان هم لقب اسعدالدوله بلوچستان را از دست داد. ادارهٔ امور کشور رفته رفته در پایتخت متمرکز می‌شد و این از قدرت حکام محلی می‌کاست. درعین حال توسعهٔ تأسیسات پستی و تلگرافی اعم از مسیرهای پستی اتومبیل در خط تهران به زاهدان و تا چابهار و همچنین پروژهٔ چشم‌گیر راه‌سازی در این دوران که برای نخستین بار میان شهرها و آبادی‌های بلوچستان، راه‌هایی قابل تردد فراهم کرده بود، شرایطی را به وجود آورد که دسترسی به اخبار و اطلاعات بلوچستان ساده‌تر از قبل باشد. علاوه بر این دسترسی به دانش و تخصص تکنولوژی‌های جدید از جمله آشنایی ایرانیان با فنون نقشه‌برداری و دانش جغرافیایی، تجهیز ارتش با تسلیحات جدید و طیاره‌های نظامی، توسعهٔ تلگراف و ارتباطات سیمی میان شهرها و راه‌سازی، سلطه و قدرت نفوذ و استیلای حکومت ملی وقت را بر اقوام و طوایف و قدرت‌های محلی صدافزون کرده بود.

نسل جدیدی از رسانه نیز در آستانه تولد بود. از نصب نخستین دکل موج بلند رادیو در عمارت کلاه فرنگی جاده قدیم شمیران در ۱۳۰۳ خورشیدی، سرعت توسعه رسانه در ایران و به تبع آن اطلاع رسانی و جابه جایی اخبار شتابی روزافزون گرفت و صورت تازه ای یافت تا آنجا که به ابزار مهمی برای هدایت افکار عمومی بدل گشت. روزنامه نگاری نیز قدم به دوران تازه ای گذاشته بود و توسعه امکانات چاپ و نشر و توزیع ناشی از توسعه راه های ارتباطی، سطح مخاطب جراید را وسیع تر از قبل کرده بود. تنها چند ماه پس از تاج گذاری رضاشاه در تالار سلام کاخ گلستان، روز یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۰۵ خورشیدی روزنامه اطلاعات زیر نظر عباس مسعودی نخستین شماره خود را عرضه کرد و بدل به مهم ترین رسانه مکتوب عصر پهلوی اول شد. بخش مهمی از این گزیده اسناد نیز از «روزنامه اطلاعات» اخذ شده است. با این همه مسئله محتوای رسانه دستخوش سیاست های کلان حاکمت مرکزی شده بود. کودتای اسفند ۱۲۹۹ با نقشه و هدایت سید ضیاء الدین طباطبایی که خود روزنامه نگار بود به وقوع پیوست، اما مطبوعات در دوران پس از این کودتا و در عصر سلطنت رضاشاه پهلوی، آزادی عصر مشروطه و سال های پس از آن را نداشت و در محاق افتاد و سایه شوم ممیزی، عرصه اطلاع رسانی آزاد را به مخاطره انداخت. تا آنجا که هم از تعداد نشریات به شدت کاسته شد و هم آنچه باقی مانده بود اکثراً در اختیار نمایندگان مجلس قرار داشت. در چنین شرایطی اخبار و گزارشات فرمایشی ثبت شده در مطبوعات آن دوران متداول شد؛ موضوعی که تمیز حقیقت تاریخ از روایات دستکاری شده را دشوار می کند. در این شرایط اهمیت گزیده ای که از هفته نامه حبل المتین به عنوان نشریه ای مستقل در این مجموعه گردآوری شده است، دو چندان می شود. در عین حال نیاز به رجوع به اخبار و اطلاعات تکمیلی درباره این دوران از طریق بررسی اسناد و مراسلات و مراودات اداری، سفرنامه های اشخاص، اسناد بین المللی، به خصوص آنچه توسط اتباع بریتانیا در آن دوران درباره این منطقه نوشته شده همچنان به قوت خود باقی است...

چهارمین مجلد از مجموعه پژوهش‌های ایران فرهنگی که همچنان به بلوچستان اختصاص دارد، گزیده‌ای از مطبوعات و جراید ایران در حداثه روی کارآمدن رضاخان به‌عنوان سردار سپه و ورود متفقین به ایران و پایان عصر پهلوی اول را در برگرفته و عمدتاً از روزنامه اطلاعات، روزنامه ایران و هفته‌نامه حبل‌المتین و چندین جریده و نشریه دیگر نقل شده است.

بخش اول اسناد به شکلی منسجم به حضور نظامیان در بلوچستان می‌پردازد و گزارش‌هایی را از وضع ناامنی، فقر و توسعه نیافتگی ارائه می‌دهد. اسنادی درباره لباس متحدالشکل در بلوچستان و موضوع کشف حجاب از بخش‌های قابل توجه اسناد و مدارک بخش عمومی است. این اخبار و گزارشات از ورود به دوران تازه‌ای در تاریخ معاصر ایران حکایت می‌کند که متأثر از تغییرات سیاسی کلان انتقال قاجار به پهلوی است؛ دوره‌ای که سیاست‌های حاکم بر ایالات و ولایات ایران تحت تأثیر نگرش اندیشه ملی و تمامیت ارضی در دوره رضاشاه قرار می‌گیرد و به‌طور کلی با دوران پیش از خود متفاوت می‌شود.

بخش دوم بریده جراید و مطبوعات در این کتاب به رجال اختصاص دارد. تقسیم‌بندی بر اساس رجال در این مجموعه بسیار کارآمد است. اهمیت برخی شخصیت‌های تاریخ معاصر بلوچستان در وقایع و مناسبات این دوران، ضرورت چنین تقسیم‌بندی را به وجود آورده است. مدارک موجود در مطبوعات و جراید درباره میربرکت‌خان بلوچ و دوست‌محمدخان بارکزی از خوانین و حکام بلوچستان در کنار سایر اسناد موجود درباره او در سفرنامه‌های تاریخی و نیز اسناد ملی درباره بلوچستان که در مجموعه کتب پژوهش‌های ایران فرهنگی به چاپ خواهد رسید، روایت تاریخی مستندی درباره تحولات معاصر بلوچستان به دست می‌دهد که تاکنون از آن اطلاعات منسجمی در دست نبوده است. این روایت مستند، آب در خوابگاه مورچان نیز خواهد بود و نقشه‌های شوم و روایت‌های جعلی و دورغین بدخواهان تمامیت ارضی ایران را نقش بر آب می‌کند.

بخش سوم این گزیده شامل مدارک اقتصادی، تجاری و بانکی، گزارش‌هایی از گمرک‌خانه‌های مرزی و مبادلات تجاری دریایی در بلوچستان آن دوران را در بر دارد. راه و حمل‌ونقل، ارتباطات (پست و تلگراف)، آموزش و پرورش، امور بهداشتی و پزشکی، کشاورزی و آفات طبیعی، بلدی‌ها و شهرها، حضور خارجی‌ها و گزارش‌هایی از بلوچستان انگلیس از جمله مدارک اندک اما مهم بخش‌های دیگر گزیده حاضر است.

گرچه برخی از مهم‌ترین رویدادهای این دوران بلوچستان به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم معلول تحولات جهانی بوده، اما در جراید و مطبوعات آن دوران تحولات داخلی ایران نقشی پررنگ‌تر یافته و کمتر به مسائل بین‌المللی پرداخته شده است.

حال اینکه می‌دانیم موضوع مناقشات مرزهای خاوری در سال‌های پس از جنگ اول نیز به قوت خود باقی بوده و از دخالت و حضور بریتانیا در این منطقه و در میان دو جنگ، اتفاقاً اسناد و گزارش‌های مهمی نیز وجود دارد که باید در بیرون اسناد و مدارک جراید جست‌وجو شود. درعین حال بخش اعظم اسناد و مدارک این مجموعه به ندرت از ۱۳۱۵ فراتر می‌رود و عملاً سال‌های منتهی به یورش قوای متفقین به ایران را در بر ندارد، سال‌هایی که برای بلوچستان نیز سرنوشت ساز بوده است.

در سال‌های پس از جنگ جهانی اول تا هجوم نیروهای متفقین به خاک ایران در جنگ جهانی دوم و پس از شهریور بیست، ساختار اداری و سیاسی ایران به‌طور کلی دگرگون شد و نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بلوچستان نیز در نتیجه تحولات ناشی از جنگ اول، تغییراتی اساسی یافت. مقاومت برخی طوایف بلوچ در برابر انگلستان اعلام در مرزهای خاوری، خودمختاری طایفه بارکزی از بهرام‌خان تا دوست محمدخان که منجر به مجموعه‌ای از تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بلوچستان منجر شد و بعدها نافرمانی و یاغی‌گری خاندان اسماعیل‌زهی و هزینه‌های گزاف سیاسی و امنیتی ناشی از بحران‌های

بلوچستان، همه و همه در نتیجهٔ اوضاع نابسامان ورود قوای بین‌الملل به داخل ایران پس از جنگ اول و مداخلهٔ مستقیم بریتانیا در بلوچستان در سال‌های پیش و پس از آن بوده است.

این مجلد نیز همانند جلد اول گزیدهٔ جراید دربارهٔ بلوچستان که به عصر قاجار اختصاص داشت، اسناد و گزارش‌های بسیار مهمی را در برگرفته که بی‌شک در عرصهٔ مطالعات تاریخی مربوط به بلوچستان بسیار کارآمد خواهد بود. از زحمات جناب آقای کوهستانی‌نژاد برای گردآوری این مجموعه و سپردن آن به مجموعهٔ «پژوهش‌های ایران فرهنگی»، به سهم خودم کمال تشکر را دارم.

محسن شهرنازدار

مقدمه

جنگ جهانی اول و تحولات عظیم پس از آن از جمله پیروزی انقلاب بالشویکی در روسیه و شکل‌گیری کشور اتحاد جماهیری شوروی بر ویرانه‌های امپراتوری تزاری و نیز فروپاشی امپراتوری عثمانی، به مثابه زلزله‌ای در ساختار توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای بود که در پیامد آن تغییرات کلی و شگرفی در ژئوپولیتیکی جهان و منطقه روی داد. بسیاری از وقایع و تحولات سیاسی در کشورها و مناطق مختلف دنیا و به ویژه خاورمیانه، در پیامد و محصول تحولات ساختاری مذکور، بوده و تحلیل و تفسیر آن نیز، جز با در نظر گرفتن آن تحولات و البته لحاظ کردن پاره‌ای رویدادهای داخلی به مثابه عوامل فرعی، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در سایه تحولات بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول و با هدایت دولت بریتانیا، اصلاحات عمیق سیاسی و اداری و نوسازی دولت در ایران آغاز شد. اصلاحاتی که در گذر از وقایع و رویدادهای مهم «قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله»، «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹»، «بحران‌های تغییر سلطنت در ایران در طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴» اجرای آن‌ها آغاز شده و پس از آغاز سلطنت رسمی رضاشاه در ایران و نیز تغییر متعدد دولت‌ها و کابینه‌های مستقر و به‌ویژه تسلط یافتن بی‌حد و حصر نظامیان بر مقدرات ایران نیز علی‌رغم با فرازونشیب‌های زیاد، اجرای آن در سال‌های بعد ادامه یافت. تا اینکه پس از حمله متفقین به ایران

در شهریور ۱۳۲۰ و در جریان جنگ جهانی دوم، رضاشاه استعفا داده و ولیعهد محمدرضا پهلوی به جای او به سلطنت رسید. زمانی که محدوده زمانی کتاب حاضر نیز به پایان می‌رسد.

در طول سال‌های پس از پایان جنگ جهانی اول، دولت‌های مستقر در ایران، برنامه‌ها و طرح‌های گسترده و متعددی را در زمینه‌های اقتصادی، فنی، راه سازی، تجارتی، بانکی، امور مالی، ساخت و گسترش کارخانه‌ها و صنایع در کشور به مورد اجرا گذاردند که دستاوردهای آن می‌باید در فرصتی مناسب مورد بحث و بررسی قرار گیرد اما در چارچوب کتاب حاضر، منطقه بلوچ‌نشین کشور نیز طبعاً می‌باید همچون دیگر مناطق کشور مشمول طرح و برنامه‌های مذکور قرار گرفته و پروژه‌های عمرانی و اقتصادی در آن خطه نیز به اجرا در می‌آمد، ولی آیا این اتفاق افتاد؟ آیا سرزمین بلوچستان نیز همچون دیگر نقاط کشور (و به نسبت پتانسیل اقتصادی و عمرانی آن و نیز اهمیت و جایگاه ویژه آن) از برنامه‌های نوسازی عمرانی، اقتصادی و صنعتی کشور در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۸ بهره‌مند شد؟ پاسخ سؤال مذکور را می‌توان در خلال مدارک تاریخی ارائه شده در کتاب حاضر که به‌عنوان دستاورد پژوهش انجام شده پیرامون وقایع و رویدادهای مرتبط با بلوچستان در بازه زمانی مورد بحث، ارائه شده، جست‌وجو کرد. مجموع مدارک مورد بحث که در ذیل عناوین موضوعی تقسیم‌بندی شده، به خوبی گویای میزان بهره‌مندی بلوچستان از دستاوردهای اصلاحات عمرانی و اقتصادی کشور در بازه زمانی مورد بحث کتاب حاضر است.

در یک حالت کلی جایگاه بلوچستان در ساختار اداری و سیاسی کشور در طول سال‌های پس از جنگ جهانی اول و تا هجوم نیروهای متفقین به ایران در جریان جنگ جهانی دوم، دچار تشتت زیادی نیز شد. همانند آنچه که در طول دهه‌های قبل از سلطنت رضاشاه، در ساختار اداری ایران موسوم بود، در طی سال‌های مورد بحث نیز، بلوچستان در ذیل ایالت کرمان قرار گرفته و به‌عنوان یکی از واحدهای تشکیل دهنده ایالات کرمان تعریف شد. در اواسط دهه ۱۳۱۰

نام استان کرمان و بلوچستان به «مکران» تغییر یافت.^۱ مدتی بعد و در آبان ۱۳۱۶ بر اساس قانون تقسیمات جدید کشوری (که عمدتاً بر اساس مقتضیات نظامی تدوین یافته بود)، برای نخستین بار از نظر اداری بلوچستان از کرمان جدا شده و کرمان و جیرفت در ذیل استان چهارم (جنوب) و شهرستان‌های بم، بشاگرد، جاسک، میناب و زابل استان ششم و یا همان استان مکران را تشکیل دادند. عمر چنین تقسیم‌بندی چندان به طول نینجامیده و دو ماه بعد (دی ۱۳۱۶) بر اساس قانون اصلاح قانون تقسیمات کشوری، بار دیگر بلوچستان و کرمان متحد شده و در ذیل استان هشتم مکران (شامل شهرستان‌های: کرمان، بم، بندرعباس، خاش، زابل و سیرجان) تعریف شدند.

تغییرات اداری مذکور نیز، تفاوتی در ساختار کلی وضعیت بلوچستان به وجود نیاورد و علی‌رغم اینکه ادارات کل‌های مستقل با عنوان مکران (از جمله در حوزه معارف)^۲ به تدریج در آن ایالت تشکیل شد، لیکن کماکان آن منطقه از نظر اداری به عنوان یکی از مناطق درجه دوم و سوم ایران محسوب می‌شد. البته با دو ملاحظه بسیار مهم. در درجه اول به دلیل حساسیت شدید و اوضاع خاص سیاسی اجتماعی آن منطقه، کنترل بلوچستان در دست نظامیان و فرماندهان نظامی بود. آنان با ایجاد یک پادگان در حاشیه شهر مخروبه خاش، آن را شهر خاش نام گذاشته و مرکزیت بلوچستان را علی‌رغم وجود شهرهای مهمی همچون دزدآب (زاهدان)، بمپور و فهرج به آنجا منتقل کردند و این شهر در طول ایام سلطنت رضاشاه مرکز واقعی و اصلی بلوچستان محسوب شده و نماینده‌ای نیز که به عنوان نماینده بلوچستان در ادوار مختلف مجلس شورای ملی در آن ایام حضور داشت، در واقع در نتیجه برگزاری صوری انتخابات در خاش و البته عملاً با انتخاب فرماندهان نظامی و در نهایت مقامات مرکزی، برگزیده می‌شد. از نظر نظامی نیز [حداقل تا اواسط دهه ۱۳۱۰] نیروهای مستقر در بلوچستان تابع

۱. ر.ک: فصل اول

۲. ر.ک: فصل هفتم

فرماندهی لشکر شرق مستقر در مشهد بودند. به نحوی که در طی سفر رضاشاه به بلوچستان در آبان سال ۱۳۰۹ فرمانده لشکر شرق نیز او را همراهی می‌کرد. علاوه بر خاش به عنوان مرکزیت نظامی بلوچستان، از اوایل سلطنت رضاشاه به بعد و به مرور زمان، بر اهمیت شهر دزدآب (زاهدان) افزوده شد. موقعیت جغرافیایی ممتاز آن شهر و نزدیکی‌اش به بیرجند و خراسان و کرمان، موقعیت ترانزیتی آن در انتهای مسیر راه‌آهنی که از هندوستان به داخل ایران امتداد یافته و پس از عبور آن نقطه مرزی میرجاوه، در نهایت به دزدآب خاتمه می‌یافت، قرار گرفتن در مسیرهای اصلی راه‌های مواصلاتی شرق کشور، وجود یک کلنی بسیار قدرتمند از تجار ایرانی و هندی و انگلیسی در آن شهر و بالاخره مرکزیت یافتن آن شهر در مسیر ورود و خروج مقامات سیاسی داخلی و خارجی، از جمله مهم‌ترین عواملی به شمار می‌رود که توسعه بیش از پیش دزدآب را فراهم کرد. شهری که پس از تغییر نام آن از دزدآب به زاهدان مسیر ترقی و پیشرفت را به سرعت طی کرده و در پایان دوره مورد بحث کتاب حاضر و در سال ۱۳۲۰ تبدیل به مرکز اقتصادی، تجارتی مواصلاتی ایران در شرق به‌طور کلی و در بلوچستان به‌طور خاص شد.

علاوه بر زاهدان طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۶ تلاش‌هایی برای گسترش شهرنشینی در بلوچستان انجام شد و در این راستا امکانات بیشتر به شهرهایی همچون ایرانشهر (فهرج)، بمپور، سراوان و بم اختصاص یافت. اما امکانات مذکور به هیچ وجه قابل مقایسه با تأسیسات اقتصادی و زیربنایی به وجود آمده در دیگر شهرهای کشور نبود و از آن مهم‌تر، اگر دقت کنیم، شهرهای فوق‌الذکر تماماً در نیمه شمالی بلوچستان قرار دارند در آن دوره تلاش جدی و مهمی برای ایجاد امکاناتی حداقل مشابه با آنچه که در خاش و ایرانشهر ایجاد شده بود، در مناطق جنوبی بلوچستان و به ویژه در بنادر مهم چابهار و جاسک انجام نشد. بدین ترتیب عملاً بلوچستان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده که در قسمت شمالی آن با اندک امکانات موجود، سبب رشد و توسعه چندین شهر در

آن گردید. اما در قسمت جنوبی، به غیر از اخبار بسیار پراکنده‌ای از وضعیت تلگراف‌خانه‌ها و فرودگاه‌های مستقر در جاسک، کمتر خبر یا گزارش جدی در مورد وضعیت اقتصادی عمرانی و فرهنگی آن مناطق مختلف، شهرها، بنادر موجود آن قسمت در طی یک دهه ۱۳۲۰-۱۳۱۰ انتشار یافت.

در یک حالت کلی و نسبت به دیگر استان‌ها مناطق و شهرهای کشور، بلوچستان و نواحی مختلف آن در طول سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۸ از یک عقب‌ماندگی مشهودی برخوردار بودند.

نزدیک به گذشت شش سال از آغاز اصلاحات اداری در ایران پس از جنگ جهانی اول و چهار سال پس از کودتای سوم اسفند و تسلط نظامیان بر مقدرات مملکت و ایالات و ولایات، گزارشی در یکی از جراید انگلیس چاپ شد که حکایت از این داشت: سرهنگ نظام ایران بر یک جماعت بلوچی حمله برده، هفتاد نفرشان را گرفته موی سرشان را بریده است و این سزا در بلوچستان بزرگ‌ترین سزاهای گفته می‌شود و به یک جماعت دیگر بلوچی هم حمله برده همین سلوک را روا داشته‌اند و نیز می‌نویسد مواجب به سربازان بلوچی داده نمی‌شود و به جبر آنان را به نقاط مختلفه به جنگ می‌فرستند و کشته می‌شوند.^۱

حقیقت گوی بلوچستانی در سال ۱۳۰۵ نوشت: پس از بیست سال مشروطیت هنوز ملت و ناموس بلوچستان مثل حیوان در معرض خرید و فروش است. بلوچستانی بدبخت از این عملیات طاقت فرسا متمرّد است. از پرداخت مالیات هیچ‌وقت استکاف نداشته و ندارد. اگرچه به‌طوری‌که شنیده می‌شود فجایع اعمال و حرکات زشت قشون جدید هم کمتر از قشون قدیم ایران نیست. عملیات و حرکات خلاف انتشار رودبار آن‌ها نسبت به سعیدخان جبان و ناموس او به ما می‌فهماند که (همان آتش است همان کاسه)^۲

سال بعد یعنی در ۱۳۰۶ نویسنده گزارشی که در هفته‌نامه حبل‌المتین کلکته چاپ کرد، خطاب به خوانندگان گزارش نوشت: در قرن بیستم ابناء وطن مألوف شما را با اسارت و دزدی برده و در ازای تفنگ و فشنگ به اعراب ساحل جنوبی خلیج فارس می‌فروشنند. بلی اولاد کیان و داریوش و انوشیروان در سنه ۱۹۲۷ میلادی به عرض بیع و شرا در می‌آمد. در مملکتی که مأمورینش خود موجب غارت و خانه‌خرابی اهالی است و اسلحه را از دست رعیت که تأمین جانی و مالی و ناموس او را باید دولت عهده‌دار باشد، می‌گیرد و عده آن را به بلوچ و بیابانی و اشرار می‌فروشند، این ملت قابل بقاء و زندگانی و این دولت لایق حکومت است؟^۱

همزمان در مورد زاهدان که من حیث‌المجموع نسبت به دیگر مناطق بلوچستان از وضعیت مساعدتری در طول دوره موردبررسی کتاب حاضر برخوردار بود، گزارش‌های متعددی از وضعیت نابسامان اقتصادی، تجارتي در طول سال‌های موردبحث منتشر شد. در سال ۱۳۰۶ و در اوایل دوره موردبحث گزارشگری از وضعیت بسیار بد کشاورزی آن منطقه خبر داده و نوشت: «اوضاع فلاح دزدآب بسیار بد و فوق‌العاده عقب است».^۲ نزدیک یک دهه بعد و در سال ۱۳۱۵ نیز با دیگر گزارش‌ها از اوضاع نابسامان کشاورزی آن منطقه حکایت می‌کرد، به نحوی که در آن سال هم در توصیف اوضاع کشاورزی همان منطقه نوشته شده: «به استثنای یکی-دو مزرعه برای رفع احتیاج خانوادگی، هیچ‌گونه زراعت و فلاحی وجود ندارد. احتیاجات اهالی از قبیل سبزی و لبنیات از زابل تهیه می‌شود».^۳ تأسیس اندک صنایع و شرکت‌ها در زاهدان نیز دست کمی از اوضاع کشاورزی آن منطقه نداشت. در همین رابطه نکته بسیار جالب و البته تأسف‌برانگیز، سرنوشت تأسیس شعبه بانک ملی در زاهدان بود. تلاش انجام شده در این زمینه در سال ۱۳۰۸، به دلایل ناگفته‌ای به ثمر ننشست و خبری از

۱. عنوان گزارش مذکور: آدم‌فروشی در ربع دوم قرن بیستم است و متن آن در فصل اول مدارک می‌باشد.

۲. ر.ک: فصل شهرها، مدارک زاهدان

۳. همان

تأسیس شعبه آن بانک در زاهدان نشد.^۱ اما کمی قبل از آن و در سال ۱۳۰۷، براساس قانون تصویب شده در مجلس شورای ملی، دولت اجازه اختصاص اراضی مورد احتیاج شعبه بانک شاهنشاهی (انگلیس) در زاهدان را یافت و کمی بعد نیز فعالیت شعبه بانک مذکور در آن شهر شروع شد. شاید علت اصلی عدم شکل گیری فعالیت بانک ملی در زاهدان وجود شعبه‌ای از بانک شاهنشاهی در همان جا بود.

در آبان ۱۳۰۹ برای نخستین بار یکی از شاهان ایران از بلوچستان دیدار کرد. در آن زمان رضاشاه در جریان سفرش به نقاط شرقی و جنوب شرقی ایران به بلوچستان نیز عزیمت کرد. ما او نیز تا شهر خاش رفته و از ادامه سفر به مناطق مرکزی و جنوبی آن خطه و به ویژه بنادر چابهار و جاسک استنکاف نمود.^۲ دستاورد چندانی از سفر رضاشاه عاید بلوچستان نشد. چند ماه بعد و در بهار ۱۳۱۰ محمدجواد هوشمند در خلال گزارشی مفصل از وضعیت بنادر و شهرهای جنوب ایران در ارتباط با نحوه رفتار مأمورین دولتی در خطه جنوب و از جمله بلوچستان نوشت: دولت باید برای حفظ امنیت سیصد فرسخی بنادر جنوب یک قوای بحریه کاملی در خلیج تشکیل دهد و اشخاص کار آزموده صحیح‌الاعمال جدی لایق برای مأموریت آنجا بفرستد که اسباب عمران و آبادی آن حدود را، فراهم آورده [و] منظمات صحیح اساسی در بنادر بدهند. روز به روز از جمعیت بنادر کم می‌شود. علت آن به واسطه فشار مأمورین می‌باشد که انواع و اقسام تعدی به رعایا و اهالی آن حدود می‌نمایند.^۳

تا اینکه بالاخره سه سال پس از سفر رضاشاه به بلوچستان و در آبان ۱۳۱۲ فاجعه قلعه کوهک و قتل عام ساکنین بی دفاع آن قلعه به دست نظامیان روی داد.^۴

۱. همان

۲. ر.ک: فصل اول

۳. ر.ک: فصل اول

۴. ر.ک: فصل اول

در طی سال‌های بعد و به ویژه در سال‌های پایانی دوره رضاشاه که به علل گوناگونی وضعیت اقتصادی کلی کشور رو به وخامت نهاد، سقوط اقتصادی و تجاری منطقه بلوچستان، بیش از پیش شدت گرفته به نحوی که [در سال ۱۳۲۵] مهندس مخبر در فرازی از گزارشش در رساله بلوچستان نوشت: با تمام استعدادی که بلوچستان برای عمران و آبادی و احداث شهرها و تکثیر نفوس دارد، تاکنون متأسفانه به واسطه دوری از مرکز مملکت و عدم اطلاع و بی‌علاقگی زمامداران وقت و همچنین به علت موانع و مشکلات سیاسی و خارجی، توجهی به آن نشده بلکه روز به روز بر ویرانی این سرزمین و پریشانی مردمش افزوده، تا به حدی که در سراسر ایالتی به این وسعت خاک، به جز چند شهر کوچک و کم جمعیت و یک عده قری و مزارع پراکنده و دور از یکدیگر به صورت واحه‌های صحرای عربستان، دیگر آثاری از زندگی و مدنیت جدید یافت نمی‌شود. در بلوچستان گذشته از فقدان مؤسسات صنعتی و کارخانه و ماشین‌آلات، بدبختانه با آن همه اراضی حاصلخیز و مستعد برای غرس و تربیت اشجار گرمسیری، امور فلاحتی و زراعتی آنجا رونق و رواجی ندارد و حتی خوراک سال اهالی را تأمین نمی‌کند و جای بسی تأسف است که با این همه نقشه‌های عریض و طویل اصلاحی دولت، تاکنون کوچک‌ترین قدمی در راه بهبود اوضاع این ایالت برداشته نشده.^۱

اما وضعیت نابهنجار بلوچستان تنها در مورد امور اقتصادی و عمرانی عینیت نمی‌یافت، در زمینه آموزش و پرورش گزارش موجود از تنها مدرسه چابهار در سال ۱۳۰۶، یعنی نقطه آغازین دوره زمانی کتاب حاضر، به گونه‌ای جالب از تمایل و شوق و اشتیاق مردم آن بندر برای فرستادن فرزندانشان به مدرسه حکایت دارد؛ مدرسه‌ای که بر اثر سوءمدیریت مقامات محلی، به فاصله کوتاهی پس از آن دچار تعطیلی شد.^۲ چنین وضعیتی در سال‌های بعد در دیگر نقاط جنوب

۱. مجله یادگار، ش ۶ و ۷، س ۳، بهمن و اسفند ۱۳۲۵، ص ۴۱.

۲. ر.ک: فصل ششم: آموزش و پرورش

بلوچستان هم وجود داشت.^۱ در چنین اوضاع و احوالی حاکمان نظامی شهرها به نوبه خود به معضل جدی برای مردم تبدیل شده بودند. در مورد رفتار حکمرانان نظامی حاکم در بلوچستان در آن سال‌ها، در خلال گزارش‌های ارائه شده در بخش دهم کتاب حاضر اشاراتی را می‌یابیم. در سال ۱۳۰۶ در میناب، روایت‌کننده‌ای از فساد حاکم بر فرماندهان نظامی تازه به قدرت رسیده سخن گفته و نوشت: محمدعلی خان خود را بسته به اداره قشونی [باشد]. هر قدر که مردم را جرم می‌کند ۳ قسمت می‌کند، یک برای خودش ۲ برای رؤسای ساخلو. حمل اسلحه که اکیداً برای مردم قدغن است. قائد محمدعلی خان خود و اتباعش مسلح می‌روند. به دست یاری قائد محمدعلی خان آنچه دزد و جانی است، کدخدا و دهنه‌دار می‌کنند. یک نفر دزد که قبلاً اداره قشونی با او بندوبست کرده‌اند، پیش حکومت معرفی می‌کنند و حکومت را مجبور می‌کنند که رقم کدخدای به اسم او بنویسد.^۲ سال‌ها پس از آن و در ۱۳۱۶ نیز گزارش‌هایی از وجود رفتارهای مشابهی از سوی حکمرانان منطقه انتشار یافت که در واکنش به آن‌ها، معترضی نوشت: حقیقتاً مرگ بر ما با این مشاهدات گوارا است و برای اداء وظیفه اولیا محترم را مخاطب ساخته عرض می‌کنیم در عصر حاضره بی‌اعتنایی به این وضعیات از انتظار مردم دور. آخر توجهی هم به دزدآب بفرمایید. ولی چه فایده (آنچه البته به جایی نرسد فریاد است.) حفظ حقوق عامه و احقاق رسیدگی به قضایا هنوز در این مملکت صرف حرف و حرف صرف است.^۳

جزئیات چارچوب کلی مطرح شده در سطور فوق پیرامون وضعیت اقتصادی، عمرانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بلوچستان در این سال‌ها را می‌توان در خلال مدارک ارائه شده در کتاب حاضر مشاهده کرد. جهت سهولت دسترسی، مجموعه مدارک ارائه شده در ذیل عناوین مختلف موضوعی و به ترتیب

۱. از جمله ر.ک: گزارش محمد جواد هوشمند در فصل اول.

۲. ر.ک: فصل اول: مدارک سیاسی، اجتماعی و عمومی

۳. همان

زمانی تقسیم شده است. فارغ از ترتیب ارائه موضوع‌ها که بر اساس حروف الفبا می‌باشد، مهم‌ترین موضوع مطرح‌شده در خلال مدارک مورد بحث، موضوع‌های اقتصادی و عمرانی و مسائل مرتبط با آن است. بخشی از آن مدارک که دایرهٔ مشمولیت بیشتری دارد، در ذیل عنوان خاص: «اقتصادی، تجاری و بانکی» قرار گرفته‌اند. اما مروری کوتاه بر عناوین کلی موضوعی و نیز فهرست موضوعی مدارک ارائه‌شده در بخش، آشکار می‌سازد که در خلال دیگر بخش‌های کتاب حاضر نیز، تعداد زیادی از مدارک مرتبط با مسائل عمرانی، بانکی، عمرانی، اقتصادی و بازرگانی بلوچستان در طول سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۸ وجود دارد. از آن جمله می‌توان به مدارک ارائه‌شده در ذیل عنوان «زاهدان» (در بخش شهرها) و نیز در ذیل عنوان راه و حمل و نقل (جاده‌ای، ریلی، هوایی و بنادر) اشاره کرد. علاوه بر مسائل عمرانی و اقتصادی، مدارک متعددی از دیگر مسائل و مشکلات موجود در بلوچستان آن ایام در مجموعه حاضر ارائه‌شده‌اند که در این میان، مسئله «ملخ‌زدگی» به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات بلوچستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بلوچستان در دو مقطع سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۷ و سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ دچار بلیهٔ ملخ‌زدگی در گستره بسیار عظیمی شد؛ بلیه‌ای که وسعت و گستردگی خرابی و خسارات ناشی از آن را نمی‌توان در مدارک ارائه‌شده در این مجموعه دریافت. عدم وجود آگاهی و خبر از مناطق داخلی بلوچستان، مانع از درک وسعت صدمات وارد شده از ملخ‌زدگی به آن منطقه است. صدماتی که از حیطة کشاورزی و اقتصاد فراتر رفته و ابعاد اجتماعی وسیعی به خود گرفت.

همچنین بخش قابل توجهی از مدارک ارائه‌شده در مجموعه حاضر به تحولات سیاسی، اجتماعی و عمومی بلوچستان در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۲۹۸ اختصاص یافته است که در خلال آن‌ها، مسائل مهمی همچون ماجرای دادگاه عاملان قتل عام بلوچ‌ها در قلعهٔ کوهک در آبان ۱۳۱۲ و یژگی خاصی دارد. واقعهٔ قتل عام مذکور که نقطهٔ اوج قدرت‌نمایی حکمرانان نظامی در بلوچستان

قلمداد می‌شود. لکن تنگی بر دامن دولت و حکومت رضاشاه بود. به نحوی که پس از وقایع شهر یور ۱۳۲۰، در نتیجه تلاش و پیگیری بازماندگان قتل عام مذکور، فرمانده نیروهای نظامی (سرتیپ البرز) و دستیارانش در دادگاهی محاکمه شده و حکم اعدام سرتیپ البرز صادر شد حکمی که اجرای آن با مماشات مقامات ارشد دولتی و حکومتی وقت مواجه شده و هیچ‌گاه محقق نگردید.

با مروری بر کتاب‌ها و رساله‌های منتشر شده که تمامی و یا بخشی از آن‌ها به بررسی وضعیت بلوچستان و مقوله بلوچ‌ها در ایران اختصاص یافته است، متوجه فقر اطلاعات و مدارک مربوط به حوزه بلوچستان به‌طور عام و وضعیت آن منطقه در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، به‌طور خاص می‌شویم. چنین نقیصه‌ای تأثیر مستقیمی بر پایین آمدن کیفیت و مطالب و تحلیل‌های ارائه شده در رابطه با بلوچستان در آن کتاب‌ها داشته است. امید است مجموعه مدارک ارائه شده کمک مؤثری برای رفع نقیصه مذکور و مآلاً ارتقا سطح رساله‌ها مقاله‌ها و کتاب‌های تألیف شده پیرامون بلوچستان نماید.

مسعود کوهستانی‌نژاد